



WOMEN
ISLAM
FEMINISM

اسلام فمینیسم

www.ketab.ir

سرشناسه : خانعلی، پریسا، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور : آموزش زنان در اسلام و مکتب فمینیسم / پریسا خانعلی.

مشخصات نشر : اصفهان: کیارا، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۱۶۰ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۹۰-۸۶-۱

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : زنان مسلمان -- آموزش

موضوع : فمینیسم

موضوع : زنان در اسلام

ر.صوع : فمینیسم -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ ۲۸/خ/۱۷۲/۲۳۰ BP

رده بندی : ۲۹۷/۴۸۳ :

شماره کتابشناسی : ۴۰۷۶۲۴۸

آموزش زنان در اسلام و مکتب فمینیسم

مؤلف : پریسا خانعلی

انتشارات: کیارا

تنظیم: فرشته میرزادرسکی

طراحی داخلی و جلد: فاطمه ختی

تعداد صفحات / نسخ: ۱۶۰ / رقم

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۹۰-۸۶-۱

نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بهاء: ۹۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	مقدمه
---	-------

فصل اول

۱۲	بخش اول: رویکرد اسلام به آموزش زنان
۲۵	اصول آموزشی زنان
۳۰	چگونگی مسایل آموزشی زنان در اسلام
۳۳	پیامدهای نگاه آموزش زنان در اسلام
۳۷	بخش دوم: فمینیسم در اندیشه و اندیشه
۳۷	مفهوم فمینیسم
۴۲	پیش زمینه‌های ظهور فمینیسم
۵۱	تاریخچه مکتب فمینیسم
۵۷	پیشگامان فمینیسم
۶۵	گرایش‌های فمینیسمی
۷۲	پیامدهای فمینیسم

فصل دوم

۷۸	آموزش زنان در مکتب فمینیسم
۸۵	خاستگاه فمینیسم اسلامی
۸۹	شاخصه‌های فمینیسم اسلامی
۹۹	مبانی نظری اندیشه‌های زن‌گرای غرب
۱۰۲	زن و زمینه‌های تمدن مدرن
۱۰۳	جنبش حقوق زن در غرب
۱۰۴	غرب و فمینیسم پست مدرن
۱۰۶	چگونگی مسایل آموزشی زنان در فمینیسم
۱۱۰	رهیافت فمینیسم به آموزش زنان

پیامدهای دیدگاه فمینیستی اسلامی به آموزش زنان ۱۱۵

جمع بندی ۱۱۸

فصل سوم

قضایات‌های آماری و همسانی قوای ذهنی و ادراکی زن و مرد ۱۲۲

تفاوت در حافظه بر مبنای تحقیقات ۱۲۴

مقایسه تطبیقی نظریات اسلام و فمینیسم غربی ۱۲۵

بیر ثبوتی عالم غیب ۱۲۶

آزادی و بندگی در تعبیر شاخصه‌های بارز زنانگی ۱۲۶

نادید انگاری حلاله و دین و پوزیتویسم محوری ۱۲۷

انسان محور ۱۲۸

دو پایه نگری در سیاست اقتصاد ۱۲۸

اشتراکات مسائل آموزشی زنان در دو مکتب اسلام و فمینیسم ۱۲۹

افتراقات مسایل آموزشی زنان در دو مکتب اسلام و فمینیسم ۱۳۲

فصل چهارم. بحث و نتیجه گیری

فهرست منابع و مآخذ ۱۴۸

منابع لاتین ۱۶۰

مقدمه

در حدود سه قرن اخیر تحولات گسترده‌ای به ویژه در غرب و یا کشورهای مستعمره و دست نشانده غربی در پیای اسلام به وجود آمده و به خود جنبه همگانی گرفته است. درست در دوران گذار از جامعه کلاسیک و سنتی به سمت نوسازی یا مدرنیزاسیون در غرب بود که فرهنگ و تمدن غربی خود را در برابر نگاهی جدید به روابط انسان‌ها می‌دید. رهیافت‌هایی که خود را در قالب نگاه ویژه به مسائل جنسیتی و به ویژه تفاوت‌های جنسی، نابرابری و ستمگری جنسی می‌دید آنکه همه این مسائل علیرغم آنکه در قالب نظریه‌های گوناگون خود را نشان می‌داد اما در واقع جنبشی جدید بود که در روابط اجتماعی بین انسان‌ها پدیدار گشته بود. جنبشی که از جهت تاریخی، شکل‌گیری آن دو مرحله را یکی از ابتدای قرن ۱۹ میلادی تا پس از جنگ جهانی اول حداکثر تا

سال ۱۹۲۰م به خود دیده است که در آن دستیابی زنان به حق رأی و فرصت‌های برابر اصول اولیه تلقی می‌شد و مرحله دوم آن که از ابتدای دهه ۶۰ میلادی بود به رهبری سیمون دوبوار آغاز و با گرایش‌های تند و افراطی زنانه و فریاد شعار برابری کامل زن و مرد در همه عرصه‌ها خود را نمایان ساخت و درست همین زمان نقطه آغاز آن رهیافتی شد که از اوایل قرن ۱۹ میلادی تا کنون به فمینیسم مشهور گشته است.

اما به هر جهت و در واقع باید جنبش فمینیسم را واکنشی در برابر برداشت فره‌مستی طبیعی زنان و قشربندی اجتماعی تحقیر آمیز و ستم تاریخی بر زنان تلقی کرد که علیرغم تفاوت‌های مشهود در نگرش بر حقوق زنان در بین گرایش‌های گوناگون فمینیسم باید آن را متأثر از پیش زمینه‌های تاریک نادیده انگاشت. حقوق اولیه و اساسی زنان و مولد ستمگری دولت‌ها و ملت‌های مدعی تمدن غربی و اوج مظلومیت زنان دانست که دارای پیشینه‌ای به بلندای تاریخ و عنوان تاریخچه بوده و صرف نظر از آن چه فمینیسم در گذر، بستر و گستره تاریخ اندیشه بر آن گذشته است باید گفت که در دنیای امروز فمینیسم، به مثابه یک دانش فکری که دارای گرایش‌های متفاوت و طرفداران خاص خود می‌باشد ناشی می‌گردد و در واقع اصل و جوهره اصلی این نگرش بیان و شرح ریشه‌های ستم و ناملایمتی‌هایی است که بر زنان در طول تاریخ توسط مردان و یا افکار عمومی و حتی توسط سیاستمداران متقلب فائق آمده است.

به هر جهت نگرش‌های فمینیستی به دنبال یافتن راه‌های رفع چنین تبعیض‌هایی و احقاق حقوق حقّه زنان می‌باشند و از سویی هواخواهان رهیافت‌های فمینیستی نیز با اعتقاد به اینکه زنان نیمی از ترکیب جامعه را تشکیل می‌دهند، معتقدند که از دیر باز و در طول تاریخ صرف نظر از دوران اولیه تاریخ، زنان مورد ظلم و نامهربانی و به عبارت دیگر تحقیر شده‌اند. لذا اساس، بنیان و مبنای جنبش موسوم به فمینیستی را می‌توان به عنوان مجموعه حرکت‌ها، فعالیت‌های اجتماعی و اندیشه‌های بیان شده یا به اجرا درآمده‌ای دانست که با هدف احقاق حقوق زنان و اکثراً توسط خود زنان دنبال گشته است. فمینیسم که محصول عصر روشنگری در اروپا و امانیسم، عقل‌گرایی افراطی، استات‌شناخت عقل در برابر وحی و اعتقاد به محرومیت و نابرابری زنان نسبت به مردان از جمله بنیادهای آن می‌باشد گرچه با واژگان مترادفی همچون جنبش آزادی زنان و زن‌گرایی نیز همراه می‌شود ولی با سیر در پیش‌فرض‌ها و انواع جریان‌های فمینیستی به روشنی می‌توان دید که بیشتر آن‌ها مواضع استات‌امانیسم و یا به عبارت بهتر متکی به مخلوقات و دستاوردهای دست بشر هستند. در این میان می‌توان نگرش‌های فمینیستی را در اشکال و اقسام مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار داد تا آن‌جا که از یک طرف فمینیسم‌های سوسیالیست سرمایه‌داری و نظام تفاوت جنسیت را عامل تبعیض مرد و زن می‌دانند، فمینیسم‌های لیبرال امکانات آموزشی نابرابر را سبب تفاوت می‌خوانند، فمینیسم‌های مارکسیسم مبارزه طبقاتی و عدم شرکت زنان در تولید را

عامل تبعیض می‌دانند و در نهایت فمینیسم‌های رادیکال نیز دیالکتیک جنسیت را در کنار احساسات و روابط شخصی و توجه ویژه به مردسالاری را عامل به بند کشیدن زنان قلمداد می‌کنند. در برابر آنان فمینیسم اسلامی را می‌توان به عنوان رویکردی که به امکان ذاتی و تعالی زنان و ارتقاء جایگاه دانش اندوزی آنان و عدم تفاوت زن و مرد اشاره می‌کند بیان داشت و تا آنجا آن را تفسیر و تحلیل نمود که حرکت در جهت ضوابط سریعیت با اعتقاد راسخ به جهان بینی دینی و البته توجه زیاد و بی‌فایده به نسبیّت فرهنگی و معرفتی در آن موج می‌زند.

در این بحث مسائل آموزش از نظر هر دو رویکرد از جایگاه خاصی برخوردار است. به طور کلی فمینیسم‌ها معتقد به بالا بردن تفهیم فرو دستی آموزشی زنان به آنان است و نوع آموزش را به نوعی تعریف می‌کنند که سمت و سوی موفقیت نسبی جنس مرد به زن را در پی داشته باشد و همچنین علت عدم معیار بردن آموزش در بین زنان را نیز تعصب غیر منطقی جنس مذکر می‌دانند. فمینیسم‌ها اعتقاد به در نظر گرفتن دیدگاه زنانه و روابط اجتماعی زنان و در یک کلام جامعه شناسی زنان را اعتقاد دارند و کسب و ارائه دانش از دید زنان را اصول تجربه گرایی فمینیستی، نسبیّت گرایی فمینیستی و البته فمینیسم نظرگاه می‌دانند. پس به همین دلایل معتقدند زنان باید جایگاه خود را به عنوان همسر، خانواده، تربیت فرزند و حتی تجارت بازیابند.